

خیانت آمریکا به اعتماد مصدق

۶ مرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۵۴

مروری بر رفتار آمریکا در قبال ملی شدن صنعت نفت نشان می‌دهد اگر چه این کشور برخلاف تصور برخی از محققان، در ابتدای ملی شدن صنعت نفت، از ایران حمایت می‌کرده، اما این سیاست نه به دلیل حمایت از حقوق ایران، بلکه برای تحت فشار قرار دادن انگلیس برای به رسمیت شناختن منافع نفتی این کشور بوده است.

مروری بر رفتار آمریکا در قبال ملی شدن صنعت نفت نشان می‌دهد اگر چه این کشور برخلاف تصور برخی از محققان، در ابتدای ملی شدن صنعت نفت، از ایران حمایت می‌کرده، اما این سیاست نه به دلیل حمایت از حقوق ایران، بلکه برای تحت فشار قرار دادن انگلیس برای به رسمیت شناختن منافع نفتی این کشور بوده است.

بر این اساس، وقتی که آمریکا از تأمین منافع خود توسط انگلیس مطمئن می‌شود، از حمایت مصدق دست برداشته و بسترهای کودتای ۲۸ مرداد را فراهم می‌کند. این در حالی بود که مصدق اعتماد ویژه‌ای به آمریکایی‌ها داشت. اما هنگامی آمریکا به رهبری ترومن به او پشت کرد، اوضاع مصدق طوری به هم ریخت که با ویلچر به ایران بازگشت.

جلب توجه آمریکا به نفت ایران

بعد از اتمام جنگ جهانی دوم، آمریکا بیش از پنجاه درصد نفت دنیا را مصرف می‌کرد. این در حالی بود که هنوز تولیدکنندگان نفت در دنیا محدود بودند. از این رو، نزدیک به ۶۶ درصد از نفت جهان در خاورمیانه تولید می‌شد. با این حال، در بین کشورهای خاورمیانه، عربستان، عراق و ایران، بیشترین ذخایر نفتی را داشتند. [۱]

لذا یکی از استراتژی‌های آمریکا بعد از اتمام جنگ دوم جهانی، تسلط بر منابع نفتی مناطق مختلف از جمله نفت ایران بود. در حقیقت کنترل منابع نفتی نقش کلیدی را برای آمریکایی‌ها ایفا می‌کرد. در این میان، منابع نفتی مناطقی نظیر خلیج فارس، به دلیل ارزان بودن و فراوانی، به شدت مورد توجه آمریکا قرار گرفته بود؛ به گونه‌ای که این کشور اگر تا سال ۱۹۴۸ صرفاً به دنبال تضمین جریان نفت خاورمیانه بود، از این به بعد، تسلط بر این منابع به عنوان بخشی از استراتژی امنیت ملی آمریکا درآمد. با این حال، یکی از بزرگ‌ترین موانع آمریکا در تحقق این هدف، قرارداد انگلیس با ایران و عراق بود که باعث شده بود در عمل، کنترل نفت این دو کشور با هزینه‌ی اندکی در دست انگلستان باشد. آمریکا در این زمان تلاش کرد با مقامات این سه کشور (ایران، عراق

و انگلستان آوارده مذاکره شده و بسترهای لازم برای تسلط بر منابع نفتی خلیج فارس را فراهم کند.

در این راستا، ایالات متحده مجموعه اقداماتی را برای ایجاد رضایت در بین کشورهای عمده تولیدکننده نفت آغاز می کند که در حقیقت برای از میدان به در کردن انگلستان صورت می گیرد. برای مثال در سال ۱۹۵۰، وزارت خارجهی آمریکا طرح کاهش مالیات از چهار شرکت بین‌المللی نفتی آمریکا را مطرح کرد. براساس این طرح، شرکت آرامکو می‌توانست در قبال حق‌الامتیازی که به عربستان می‌پرداخت، از میزان مالیاتش در آمریکا کسر شود. این مسئله باعث شد تا این شرکت بتواند قراردادی براساس سود ۵۰-۵۰ با دولت عربستان منعقد کند. البته دولت آمریکا در همین زمان به عربستان اعلام کرد که مبلغ ۵۰ میلیون دلاری را که از شرکت آرامکو دریافت کرده است، در واقع باید کمک آمریکا به دولت خود تلقی کند. [۲]

در رابطه با ایران نیز ایالات متحده خود را با ملی شدن صنعت نفت موافق نشان داد، چرا که این مسئله می‌توانست به انگلستان ضربه بزرگی را وارد نماید. لذا همینطور هم شد و فرجام کار انگلستان از بسیاری از منافع خود در نفت ایران محروم شد و ایالات متحده در دهه های بعد جایگزین آنها گردید. اما در رابطه با ایران، به زعم آمریکایی ها قدرت گیری بیش از حد افرادی مانند مصدق که احتمال داشت به زعم آمریکایی ها ایران را به عنوان متحد غرب به دامن کمونیسم بیاندازد این کشور را نگران کرده بود. لذا دو هدف دور کردن انگلستان از منافع نفتی ایران و حذف مصدق به دلیلی برخی اقدامات ضد غربی در دستور کار آمریکایی ها قرار داشت.

در این راستا آمریکا هم‌زمان با پیگیری برای تسلط بر نفت عربستان، تلاش‌های خود برای تسلط بر نفت ایران را نیز آغاز کردند. در این راستا، وزارت خارجهی آمریکا طرحی مطالعاتی تهیه و در آن با ذکر خطرهای کمونیست در خاورمیانه به انگلستان پیشنهاد کرده بود که با افزایش سهم کشورهای منطقه از درآمد نفتی، باعث بهبود وضعیت مالی این کشورها از جمله ایران و در نتیجه کاهش فقر در آنها بشود تا به این ترتیب، خطر تسلط شوروی بر منابع نفتی خلیج فارس کاهش بیابد. طرحی که در نهایت امر سبب ناراضیاتی ایران انگلستان و آغاز تلاش‌ها برای ملی سازی نفت کشور مان شد.

با توجه به مقاومت انگلستان در دادن سود بیشتر به ایران درگیری تاریخی ایران و انگلستان آغاز شد و در مقطعی که مبارزات ملی شدن نفت در ایران جریان داشت. آمریکا، با انتقاد از مواضع انگلیس، از این انگلستان خواست در قرارداد نفتی خود با ایران تجدیدنظر کند. این در حالی بود قرار داد نفتی آمریکا با عربستان سبب شد تا مواضع انگلستان در مذاکرات با ایران تضعیف شده و این دولت نتواند از موضع دست بالا با ایران مذاکرات را ادامه دهد.

در این مقطع، مطبوعات آمریکا در حمایت از مصدق، نخست‌وزیر وقت، مطالب زیادی را منتشر می کردند. «واشنگتن پست» در این باره نوشت: «ایرانی‌ها کمپانی نفت را به چشم یک کشور در شکم یک کشور مصیبت‌زده و بلا دیده و مظهر مجسم فقر خود می‌بینند. بنابراین آنان تنها راه نجات را ملی کردن منافع نفت می‌دانند.» روزنامه‌ی «نیویورک تایمز» در این زمان نوشت: «اگر ایالات متحده از مصدق پشتیبانی نکند، حیثیت آمریکا در ایران و سراسر خاورمیانه به خطر می‌افتد.» [۳]

ورای این حمایت‌ها در میانه‌ی نخست‌وزیری مصدق، آمریکا به عنوان میانجی بین ایران و انگلستان ظاهر شد اما، به دلیل منافع خود اما با توجیه ترس از به قدرت رسیدن کمونیست‌ها در ایران، با انگلیس همدست شده و کودتای ۲۸ مرداد را به راه انداخت. این در حالی بود که بر مبنای بیانیه‌ی ای که متفقین در سال ۱۹۴۳ صادر کرده بودند به کمک خود در رابطه با ایران تعهد داده و تاکید کرده بودند. اما زمانی که مصدق و حتی خود شاه خواستار کمک‌های ایالات متحده برای توسعه چاههای نفتی همزمان با منازعه ایران و انگلستان بودند، مسئولان آمریکایی به مصدق گفتند که در این رابطه با یک سری محدودیت‌ها رو به رو هستند.

پشت کردن آمریکا به مصدق و ملت ایران زمانی رخ داد که این کشور با بریتانیا بر سر نفت ایران به توافق رسید. از این مقطع به بعد دیگر آمریکا نه تنها از ملی شدن نفت ایران حمایت نکرد، بلکه با عدم اعطای وام به ایران، تلاش کرد تا با فشار اقتصادی، ایران را مجبور کند با انگلیس کنار بیاید. در نهایت، سرسختی مردم ایران در دفاع از ملی شدن نفت و کوتاه نیامدن در مقابل خواسته‌های انگلیس، باعث شد تا آمریکا و انگلستان طی نقشه‌ای، کودتای ۲۸ مرداد را طراحی و اجرا کنند. اما بعد کودتای ۲۸ مرداد، قرارداد جدید نفتی سعی شد به گونه‌ای منعقد شود که منافع نفتی آمریکا را به خوبی تأمین کند.

*مصدق مایوس از آمریکا

مصدق مجموعه مذاکراتی با آمریکایی‌ها داشت و در واقع امر به ادعای آمریکایی‌ها برای کمک به ایران اعتماد کرده بود. اما هنگامی که مصدق به آمریکا رفت و ترومن دوباره تلاش کرد، بین بریتانیا و ایران سازش ایجاد کند، این برخورد تاثیر بدی بر وی گذاشت. مصدق از طریق قاهره به ایران بازگشت. در قاهره حدود ده هزار نفر به استقبال وی در فرودگاه رفتند و چندین بار نیز در مقابل قصری که او در آن اقامت داشت، تجمع کردند. جمعیت پلاکاردهایی را حمل می‌کرد که بر روی آن خطاب به مصدق نوشته شده بود: "نابودگر بریتانیا" و "دشمن امپریالیسم". برخی روزنامه‌ها گزارش دادند که در میان شعارهای طرح شده، برخی شعارهای ضد آمریکایی نیز شنیده می‌شد. این شعارها علی‌الظاهر به این خاطر بود که ایالات متحده از دادن وامی که برای حفظ سکوهای نفتی و پالایشگاه آبادان به آن نیاز بود امتناع کرده بود. از آنجا که مصدق حال مساعدی نداشت، همراهان وی از مردم تشکر کردند و خود مصدق که با ویلچر به هتل محل اقامتش برده شد، پیامی صادر کرد مبنی بر اینکه ایرانیان از خواست مصری‌ها در خروج انگلیس از مصر حمایت قاطع می‌کنند. [۴] مصدق نخست وزیر ایران بود که صنعت نفت ایران را ملی کرده بود و در مصر به عنوان یک قهرمان نگریسته می‌شد.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، حسین مولایی

پی نوشت:

۲. رابرت د. شولزینگر، دیپلماسی آمریکا در قرن بیستم، ترجمه‌ی رفیعی مهرآبادی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۹، ص ۴۲۶.

۳. مصطفی علم، نفت، قدرت و اصول، ترجمه‌ی غلامحسین صالحیار، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱، ص ۱۶۵.

۴. Acheson to Caffery, October ۱۶, ۱۹۵۱, FR, ۱۹۵۱, ۵:۲۲۶-۲

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۱۱۱۰/مصدق-اعتماد-آمریکا-خیانت/>